

بایسته‌های نوین علمی بازجویی و تحقیق در قلمرو ادله اثبات حقیقت

احمد فلاحتی^۱، امیرعباس بزرگمهر^۲

پذیرش مقاله: 1399/10/08

دریافت مقاله: 1399/10/01

چکیده

با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در علوم و فناوری، روش‌های علمی کشف حقیقت به سیستم تحقیقات قضایی وارد شده است. هدف پژوهش آن است که اعتبار نتایج حاصل از این روش‌ها به‌عنوان دلیل اثبات در دادگاه‌ها بررسی شود. بالاترین درجه ادله اثبات، اقرار و سپس شهادت مبتنی بر واقعیت است؛ اما نتایج حاصل از روش‌های جدید، برحسب پیشینه اعتماد بدان، درجه اماره جدیدی را به جریان دادرسی وارد می‌کنند. متناسب با موضوع پرونده، می‌توان از امارات با درجه قوت مناسب استفاده کرد تا قاضی با استناد بدان‌ها، نظرش را بیان کند. بسته به درجه قوت امارات و همچنین موضوع پرونده، قاضی می‌تواند مسئولیت‌های مورد بحث در پرونده را تعیین یا دست‌کم نسبت به تعدیل حکم براساس اختیارات خود اقدام کند. گفتنی است در جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل کاربردی ندارد و تنها وظیفه تعیین مسئولیت به قاضی سپرده شده است. هر اندازه اعتماد به امارات بیان‌شده بیشتر باشد، قوت حکم صادره در مراجع فرجام‌خواهی بیشتر بوده و احتمال نقض آن کمتر است.

واژگان کلیدی: کشف حقیقت، تحقیق قضایی، علم قاضی، روش‌های بازجویی، ادله اثبات.

۱. دانش‌آموخته دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شمال / drabozorgmehr@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیشینه تحقیقات قضایی در علم حقوق، به بلندای قدمت بشریت و از اصول ابتدایی حقوقی است. منابع فقهی که معمولاً پیامبران را داوران خطاب می‌کردند، به کیفیت تحقیقات در رسیدگی به دعوا اشاره داشته‌اند؛ از این رو مسئله تحقیق و کشف حقیقت بر پایه منابع فقهی استوار بوده است و قدمت زیادی دارد. بر این مبنا مسئله شهادت ریشه فقهی عمیقی دارد و بحث‌های مختلفی در این باره آمده است. همچنین نظر ائمه معصوم (ع) و سیره آن‌ها در رابطه با شهادت قابل توجه است. به هر حال، هدف کلی آن بوده است که حقیقت یک امر برای قاضی که مسئول اجرای عدالت است، آشکار شود.

اصول حقوقی در بیشتر موارد ضمن توجه به کشف حقیقت واقعی، استناد آن را مد نظر داشته‌اند؛ از این رو اقراری که با شکنجه گرفته شده باشد، فاقد اعتبار است و این مسئله به منطبق حقوقی تبدیل شده است. سیر تحولی نظام تحقیق قضایی از همان ابتدای بشریت تاکنون مراحل مختلفی را پیموده است. امروزه ساختار نظام دادگستری به دادسرا و دادگاه تقسیم شده است. معمولاً دادسراها مسئول پیگیری تحقیقات در حوزه دعاوی حقوقی یا جرایم کیفری هستند، اما وظیفه دادسراها به امور حقوقی بازمی‌گردد و اثبات مسائل حقوقی با توجه به وظیفه آن‌ها قابل توجه است. بر همین اساس، ضابطان دادگستری تعریف شده‌اند که نقش مهمی در تحقیقات قضایی دارند. هرچند اختیارات حقوقی برای ضابطان دادگستری بسیار محدود است، اما از تجربه و تخصص آن‌ها در کشف حقیقت و بسیاری از امورات حقوقی بهره گرفته است که ابزار کار حقوق دانان محسوب می‌شود.

پرسنل زحمت‌کش نیروی انتظامی در راستای وظیفه و تخصص خود، بسیاری از حقایق را کشف می‌کنند، اما گاه در حیطه حقوقی، آن کشفیات قابل استناد نیستند. هرچند تعامل بین قوه قضاییه با ضابطان خود بسیار مثبت بوده، اما نیاز است که اصول حقوقی اولیه در طرح تحقیقات مراعات شود. بر این اساس هر روش علمی جدیدی که به دنیای تحقیقات قضایی وارد می‌شود، باید مبنای حقوقی خاص خود را داشته باشد. فن بازرجویی و تحقیق از جمله فنونی است که از دیرباز و در صحنه‌های مختلف و مراحل متفاوت اجتماعی و فردی مورد توجه بشر بوده است و چه به صورت آشکار و واضح یا غیرمستقیم در بیشتر کارها و فعالیت‌های انسانی نقش‌آفرینی کرده است. بازرجویی و تفحص‌های مدرن، مطالعه‌ای روی طبیعت انسان است. همچنین شناخت و اشراف نظری در کنار

تجربه و کاربرد در صحنه‌های مختلف راه‌گشاست و اگر این دو موضوع هم‌زمان باشند، نتایج تحقیق تضمین می‌شوند و فراگیرنده تبدیل به مصاحبه‌گر مجرب خواهد شد.

روستایی‌نژاد و اوسط خانجانی (1396) در تحقیقی به بررسی جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی پرداخته و بیان داشتند هر وسیله‌ای که بتواند به نحوی هرچند کم به اثبات دعوا بیانجامد، می‌تواند در جریان صدور رأی مؤثر واقع شود. زارع‌شعار (1395) در تحقیقی اقرار کیفری در حقوق ایران را بررسی کرد و بیان داشت از اصول روان‌شناسی تنها با هدف گرفتن اقرار مطابق با اصول و قوانین مندرج در آیین دادرسی استفاده شده است و استناد به آن تنها با وجود اقرار صریح میسر است. رجب (1393) در تحقیقی بیان داشت دین مبین اسلام، وجود وسیله‌ای را که بار علمی آن از نظر متخصصان به اثبات رسیده است، تأیید کرده و می‌تواند مبنای دادرسی قرار گیرد. وی به دستگاه دروغ‌سنج اشاره کرده است که در صورت ضمانت صد درصدی صحت آن، می‌تواند مبنای صدور رأی در دادگاه شرعی قرار گیرد. ماکسول¹ (2019) در تحقیق خود تحقق علوم اثبات صحت را بررسی کرد و بیان داشت کارشناسی در این حوزه وجود ندارد و تنها در تحقیقات پرونده‌مختومه می‌توان به اثبات نهایی جرم دست یافت. منتسری² و همکاران (2019) در تحقیقی بیان کردند که می‌توان بر همین مبنای اثر روش‌های روان‌شناسی را در بازجویی اثبات و براساس آن‌ها حکم صادر کرد. نوینگ³ و همکاران (2019) در تحقیقی در زمینه کیفیت تحقیق و سپس دروغ‌سنجی استدلال کردند مبنای کاملاً تنها در دعاوی مالی، استناد چنین ابزارهایی را قبول می‌کند؛ از این رو در جرایم سنگین یا مسائل کیفری نمی‌توان به چنین ماده‌ای استناد کرد.

هدف این پژوهش پاسخ‌دهی به این پرسش است که اعتبار استناد به روش‌های نوین بازجویی در جریان اثبات دعوا در دادگاه‌ها به چه صورت است؟ به نظر می‌رسد توجه به ادله علمی روش‌های نوین بازجویی، بی‌شک بر نظر قاضی تأثیرگذار است و می‌تواند در جریان صدور رأی در حیطه اختیارات قانونی وی، مؤثر باشد. در این پژوهش، ماهیت حقوقی روش‌های نوین بازجویی و نقش آن‌ها در اثبات حقوقی دادگاه مورد بحث قرار گرفته است و هدف آن است که ادله استناد به نتایج چنین تحقیقاتی در جریان دادرسی حقوقی بررسی شود.

1. Maxwell
2. Montasari
3. Newig

1. کشف حقیقت در امور قضایی

پس از آشنایی با مفاهیم دلیل و اثبات، تحقیقات در حوزه حقوقی و کیفری بررسی شده‌اند؛ سپس ادله اثبات جرم در دو نوع دادرسی بیان شده است. از این بین، علم قاضی با توجه به ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش، با تفصیل بیشتری بحث شده است.

1-1. دلیل

دلیل در لغت به معنای راهنما، راهبر و مرشد (فرهنگ لغت دهخدا) سبب، جهت (فرهنگ معین) و آنچه برای ثابت کردن امری بیاورند (فرهنگ لغت عمید) آمده است. ادله جمع مکسر دلیل و جمع دیگر دلایل یا دلالت دلایل است. دلیل در اصطلاح حقوقی، عامل اثبات حقیقت امری است که مورد انکار قرار می‌گیرد. قانون مدنی با اینکه یک جلد را به شرح ادله اثبات دعوی اختصاص داده است، ولی تعریفی از آن نکرده است. آیین دادرسی مدنی در ماده 194 دلیل را به این عبارت تعریف می‌کند: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می‌کنند». آن‌ها که بیشتر در امور جزایی به دنبال مطالعه هستند می‌گویند دلیل، نوری است که قاضی را برای کشف حقیقت راهنمایی می‌کند؛ بدین ترتیب دلیل به عنوان زبان قانون معنی محدودی دارد و امری است که کاربرد آن در دادگاه است و زمان ظهور و تجلی آن زمان دعوی و دفاع است. در یک معنی وسیع، دلیل حافظ و نگهدارنده حق شناخته می‌شود، اعم از اینکه دعوی مطرح و از دلیل استفاده شود یا خیر؛ و بالاخره به تعریفی از دلیل رسیده است که بیان می‌دارد مبنای علم و یقین قاضی در اثبات بزهکاری و مجموع وسایلی است که قاضی به کمک آن و با وقوع جرم و شناخت فاعل مادی و معنوی آن مبادرت به تصمیم‌گیری می‌کند (خزائی، 1397: 41).

1-2. اثبات

اثبات به معنای نیک‌شناختن (دهخدا) ثابت‌گردانیدن (معین) و پابرجا کردن (عمید) تعریف شده است. هر صاحب حق باید چنان دلیلی در اختیار داشته باشد که در هر لحظه بتواند حق مرحله ثبوتی را در مرحله بنشانند و هر حقی محتاج قدرت اثبات است؛ اگر توانایی اثبات حق نباشد، چه بسا مورد احترام قرار نگیرد. در تحقیقات و بازجویی‌ها و رسیدگی دادگاه، باید وقوع جرم و انتساب آن به شخص متهم اثبات شود. در امور جزایی همچون امور مدنی، دلیل ابزار اصلی صاحب حق است و

اگر حق دارنده واقعی حق در معرض انکار قرار گیرد، باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد، مانند کسی است که اصلاً حق ندارد (سلیمی، 1395: 44).

3-1. تحقیقات در جرایم کیفری

برای کشف و تعقیب جرایم، قاضی محکمه و قاضی تحقیق به جمع‌آوری همه انواع دلایل ممکن مبادرت می‌ورزند و در توسل به دلایل محدودیتی ندارند. از آنجاکه بیشتر جرایم در محلی ارتکاب می‌یابند و احتمالاً آثاری در آن محل باقی می‌گذارند، از جمله دلایل معمول کشف جرم معاینه محل و تحقیق محلی است که توسط قاضی دادگاه یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطان دادگستری یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می‌شود (باقری اصل، 1385: 25).

نخستین اقدامی که پس از اطلاع از وقوع جرایمی همانند قتل، سرقت، آتش‌سوزی‌های مشکوک به عمد و غیره صورت گیرد، حفظ صحنه جرم است که روش‌های کار برحسب نوع جرم، مکان وقوع آن و امکانات موجود متفاوت بوده و به طور اجمالی به شرح ذیل است (روستایی‌نژاد و اوسط زنجانی، 1396: 38):

1. اگر جرمی در محیطی محصور مانند مغازه، اتاق، حیاط منزل و امثال آن رخ داده باشد، می‌توان با بستن در ورودی و گماردن نگهبان، صحنه جرم را به نحو مطلوب حفظ کرد. در مورد محل‌های فاقد سقف مانند حیاط منازل، نگهبان باید مراقبت کند، کسی از دیوارهای اطراف به طور غیرمجاز وارد صحنه جرم نشود و به دلایل و مدارک موجود لطمه‌ای وارد نسازد.

2. در صورتی که جرم در محوطه وسیع‌تری مانند جاده‌ای خارج شهر و امثال آن رخ داده باشد، باید پس از مشخص کردن حریم صحنه جرم، اطراف محل‌هایی که مدرک جرم مانند اسلحه، خون و غیره وجود دارد سنگ‌چین شود و با گماردن نگهبان ثابت و سیار، صحنه حفظ شود. برای حفظ صحنه جرم باید تمامی اشخاص حاضر در صحنه جرم جز کسانی که بنا بر وظایف قانونی باید در صحنه جرم حضور داشته باشند، از صحنه جرم خارج شوند. شهود و مطلعین باید به سرعت مشخص و اطلاعات ضروری در مورد چگونگی وقوع جرم گرفته شود. باید توجه داشت پیش از تحقیقات اولیه نباید این افراد در یک نقطه و در کنار هم نگاه داشته شوند زیرا به تجربه ثابت شده است چنانچه پیش از انجام تحقیقات، چند شاهد کنار هم قرار گیرند، ناخواسته و ناخودآگاه با هم صحبت

و تبادل اطلاعات می‌کنند و در نتیجه ممکن است هنگام ادای شهادت، مطالبی را در مورد حادثه عنوان کنند که خود مستقیم آن را ندیده و نشنیده‌اند بلکه صرفاً نقل قولی از سایر شهود باشد.

در مقام جمع‌آوری دلایل مربوط به وقوع جرم له و علیه متهم، یکی از راه‌های معمول، تحقیق محلی است؛ یعنی انعکاس اطلاعات شهود و مطلعین در پرونده جزایی. اغلب تحقیق محلی به همراه معاینه محل در یک زمان انجام می‌شود. هم وضع محل و هم کلیه اطلاعات محلی‌ها جمع‌آوری می‌شود. هر تحقیق محلی مانند معاینه محل، وضع مستقلی دارد و راه و رسم خودش را می‌طلبد که قاضی یا مأمور انجام آن باید توجه داشته باشد تا نتیجه مطلوب به دست آید. در جریان تحقیق محلی شقوق مختلفی فرض دارد. ممکن است هیچ مطلبی به دست نیاید و کسی اطلاعی ندهد و جرم در کمال پنهان‌کاری در محل واقع شده باشد. حتی در این صورت هم امکان دارد، مطلعین از سوابق متهم و مجنی علیه و روابط قبلی آن‌ها مطلبی را بدانند که انگیزه وقوع جرم را بیان کند و قاضی را به سمت واقع امر بکشاند. ممکن است در تحقیق محلی، اشخاصی ناظر جریان ارتکاب بوده‌اند. اشخاصی از شاهدان واقعه که در همان ساعات اولیه جریان را شنیده‌اند و اطلاعات خوبی دارند، ممکن است افرادی از متهم یا متهمان و یا منسوبان آن‌ها و از شاکی و اطرافیان او مطالبی شنیده باشند که با تحقیق از آن‌ها دادگاه به حقایقی از علت و نحوه ارتکاب جرم آگاه شود.

در تحقیق محلی ممکن است از افرادی نام برده شود که شکایت در ابتدا متوجه آن‌ها نبوده است و بعد کم‌کم در معرض اتهام قرار گیرند و در نهایت مرتکب اصلی شناخته شوند. همچنین ممکن است اطلاعاتی داده شود که حکایت از آن کند که اصلاً جرمی واقع نشده و شاکی برای اهداف خاصی صحنه‌سازی کرده است. تحقیق محلی ممکن است با دیگر دلایل در یک جهت باشد و آن‌ها را تأیید کند و قاضی را به حقیقت نزدیک سازد. همین‌طور تحقیق محلی به کارشناس و اهل خبره کمک می‌کند نظر صحیحی ابراز دارند (سهرابی، 1388: 40).

در مقام تحقیقات کیفری گرچه قاضی غالباً اطلاعات علمی و فنی و تخصصی در رشته‌های مختلف ندارد و به همین جهت از اهل خبره استفاده می‌کند تا نظر دقیق درباره مورد بدهند، اما این قاضی است که به‌هرحال باید قانع شود تحقیقات و اظهارنظر خبره در جهت کشف حقیقت پیش رود یا تحقیقات شفاهی به عمل آورده و آن را در صورت جلسه قید کند. در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد، ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد خبره

مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر کند. این موضوع مهم و قابل توجه است که قانون‌گذار قاضی را محور امر قضاوت می‌شناسد و تمام کسانی که شهادت می‌دهند یا نظر تخصصی ابراز می‌دارند، باید نظر قاضی را در صحت موارد اعلامی جلب کنند. اگر مطابق شرایط علمی و تحقیقات فنی و آزمایشگاهی، نظر متخصص اعلام می‌شود و قاضی با اوضاع و احوال پرونده همچنان برایش جای سؤال باقی می‌ماند، باید پرسش‌هایش را مطرح کند و اهل خبره به آن پاسخ دهند (معرفت، 1364: 45).

در جریان این سؤال و جواب‌ها و ابراز نظریه علمی در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد، ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر کند. برای مثال اگر لکه‌های زرد رنگی روی بازوی مقتول دیده می‌شود که از نظر پزشکی قانونی مهم نیست ولی فرضیه قاضی بر این است که آن لکه‌ها آثار جسمی سخت است که با آن دست‌های مقتول بسته شده است، پزشک قانونی باید با تحقیق و آزمایش به صراحت اعلام کند آن لکه‌ها به چه سبب پیدا شده است؟ عامل بیماری و درونی داشته یا آن‌طور که قاضی استنباط کرده است، نتیجه فشار جسم سختی بر بازوان مقتول بوده است. متخصص نمی‌تواند پرسش‌های قاضی را هر چند پایه علمی و تخصصی نداشته باشد، نادیده بگیرد، زیرا مسئول کشف حقیقت قاضی است نه متخصص. متخصص نتیجه آزمایش و تحقیق را بیان می‌کند و تفسیر و تحلیل آن و انطباق با موضوع، بر عهده قاضی است. در مثالی دیگر، در پرونده ایراد جرح با چاقو متهم ادعا دارد شاکی خودزنی کرده است. پزشک قانونی باید در این زمینه نظر تخصصی بدهد؛ ضمن اینکه بر اساس ضوابطی که آن‌ها دارند چاقو خوردگی را از خودزنی تشخیص می‌دهند. گاهی بر حسب اتفاق جرح با چاقو طوری شکل می‌گیرد که پنداری یک خودزنی تمام‌عیار است؛ به همین جهت همیشه نباید فقط گواهی پزشک قانونی مبنا قرار گیرد (مدنی، 1380: 40).

کشف حقیقت در امر کیفری با قاضی است. اهل نتیجه تحقیق و آزمایش خود را اظهار می‌کنند. کارشناس خط می‌گوید: این خط به دلیل نقطه‌گذاری که دارد، زاویه حروف، عادت در کشیدگی سین و شین و لرزش دست، با آن امضا متفاوت است. نویسنده این خط نمی‌تواند صاحب آن امضا باشد. پزشک قانونی اظهار می‌کند مرگ در اثر ایست قلبی است و جراحات و خون‌مردگی‌های صورت و دست‌ها نمی‌تواند عامل مرگ باشد. متخصص قفل‌سازی می‌گوید این قفل با هیچ کلیدی

باز نمی‌شود و هرکدام دلایلی بر اظهار نظر خود دارند. قاضی در هر مورد پرسش‌هایی از کارشناس می‌کند ولی جواب قانع‌کننده‌ای به قاضی نمی‌دهد. قاضی ناچار متخصصان دیگری را برای ابراز نظر دعوت می‌کند که نظرات‌شان با متخصصان قبلی تفاوت دارد. قاضی نظرات ابراز شده را نزد متخصصانی که اطلاعات بیشتری دارند، می‌فرستد. اشخاص یاد شده در صورت لزوم اظهارات خود را پس از دریافت توضیح از متخصصان اولیه یا با معاینه مستقیم، به قاضی می‌دهند. البته باز هم قاضی ملزم نیست نظر جدید را درست بپذیرد، بلکه باید محتویات پرونده صحیح را دریابد و بر این تطبیق و استخراج استدلال کند. قاضی نمی‌تواند بدون استدلال بگوید نظر دسته اول یا دوم یا سوم درست است (سهرابی، 1388: 30).

4-1. تحقیقات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی به آن دسته از اختلاف‌ها بین افراد گفته می‌شود که غایت قضایی آن‌ها، جبران خسارت و حقوق ضایع شده است. تحقیقات در این حوزه به نسبت جرایم کیفری بسیار ساده‌تر است، ولی صدور حکم با توجه به ادله جمع‌آوری شده میسر است. در این قسمت، در رابطه با دادرسی دعاوی حقوقی بحث شده است. امر قضا گویا کاری خدایی‌گون است. لفظ قضا هم انگار در چنین بستری از معنا صورت بسته است و در لایه‌های زیرین معنایی خود، گویی معنای خاصی را می‌تواند به ذهن مخاطب تداعی می‌کند. گویی قاضی کسی باشد که دست به پشت پرده اسرار دراز می‌کند و کاشفانه اما نه‌چندان فروتنانه، مقتضای حقیقت و حق را کشف و اعلام می‌کند. کشف حقیقت، ظاهراً بخش نخست کار قاضی است؛ جایی که امر موضوعی را تشخیص می‌دهد و توصیف می‌کند و به یک اعتبار، صغرای قیاس منطقی خود را می‌چیند. گام دوم، انتخاب و انطباق و درافکندن کبرای قیاس است؛ یعنی درست جایی که قاعده عام حقوقی یا در واقع، حکم مناسب موضوع را برمی‌گزیند و در نهایت با ادغام دو گزاره در قالب نتیجه، داوری نهایی خود بیان و بدین ترتیب اعلام می‌دارد که حقیقت چیست و مقتضای حق در این موضوع معین کدام است (شاکر، 1397: 33).

4-1. ادله اثبات در دادگاه‌ها

قانون‌گذار بر مبنای فقه امامیه، برای اثبات موضوع مورد بحث (حقوقی یا کیفری) در دادگاه که مبنای صدور رأی قرار می‌گیرد، شرایطی را تعیین کرده است. از آنجاکه قضات تحقیق، خود حقوق‌دان

هستند، با اشراف به این قوانین در حین تحقیقات در جهت یافتن اسناد محکمه‌پسند، حرکت می‌کنند. در واقع نظارت قضایی در مسیر تحقیقات، زمینه‌ساز صدور حکم و مستند در دادگاه‌هاست. دعاوی حقوقی و جرایم کیفری معمولاً از نظر تحقیقات، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. با توجه به مطالبی که پیش‌تر در مورد تحقیقات در هر دو مورد گفته شد، در اینجا درباره ادله اثبات در دادگاه‌ها که در حین تحقیقات مورد توجه بوده است، با توجه به اهمیت مسئله علم قاضی در جریان صدور رأی که با هدف پژوهش کنونی نیز تناسب دارد، بحث و بررسی انجام شد.

1-5-1. ادله اثبات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی در دادگاه عمومی مطرح می‌شوند و بیشتر مربوط به مسائل خسارت و جبران آن است. در دعاوی حقوقی، به جرایم و مجازات‌ها رسیدگی نمی‌شود. در قانون برای اثبات ادعایی که در دادگاه حقوقی مطرح می‌شود، پنج شیوه در نظر گرفته شده است (سایت رأی مثبت):

اقرار: اقرار در پرونده‌های حقوقی به این معناست که شخص اقرارکننده موضوعی را که به ضرر خودش و به نفع دیگری است، بیان کند. در صورت اقرار شخص به زیان خودش، طرف مقابل دیگر نیازی به ارائه دلیل و مدرک ندارد (صالحی، 1397: 44).

سند: مهم‌ترین دلیل برای اثبات ادعا در دعاوی حقوقی سند است. در ادله اثبات دعوی، سند هر نوشته‌ای است که قابل‌استناد باشد و دادگاه آن را به‌عنوان دلیلی برای اثبات ادعا بپذیرد (صالحی، 1397: 44).

شهادت: اگر به دو روش اقرار و ارائه سند، نتوان ادعا را ثابت کرد، می‌توان از شاهدان خواست تا شهادت بدهند. شهادت در امور حقوقی به این معنی است که از کسی که تصادفی یا غیرتصادفی چیزی درباره موضوع دعوا شنیده یا دیده است، خواسته شود تا آنچه را می‌داند در دادگاه بیان کند (سلیمی، 1395: 33).

بازدید محل و تحقیقات محلی: در صورتی که یکی از دو طرف دعوا، به اطلاعات اهل محل استناد کند، حتی اگر نامی از اهالی محل که اطلاعات مورد نظر را دارند نبرد، دادگاه دستور تحقیق محلی صادر می‌کند تا بازدید از محل و تحقیقات محلی صورت بگیرد (سلیمی، 1395: 33).

رجوع به کارشناس: در مواردی، هر دو طرف یا یکی از آنها می‌توانند از دادگاه بخواهند موضوع

از طریق کارشناسی پیگیری شود. البته در مواردی که لازم باشد بدون درخواست طرفین، خود قاضی می‌تواند قرار ارجاع به کارشناس را صادر کند (سلیمی، 1395: 33).

قسم: قسم یا سوگند کم‌کاربردترین دلیل برای اثبات دعوی است و بیشتر به منظور پایان‌دادن به اختلاف از آن استفاده می‌شود. در واقع هر زمان که مدعی دلایل کافی برای اثبات ادعای خود نداشته باشد و طرف مقابل هم ادعای مدعی را رد کند، مدعی می‌تواند از طرف مقابل بخواهد سوگند بخورد که حقیقت را می‌گوید (شاکر، 1397: 44).

2-5-1. ادله اثبات جرایم کیفری

در مورد مفهوم جرم کیفری، پیش‌تر توضیح داده شد. عموم پرونده‌های در دست بررسی نیروی انتظامی، کیفری هستند. برخی از ادله اثبات جرم، با موارد تشریح‌شده در بخش دعاوی حقوقی مشترک بوده و تفسیر کامل‌تر آن در این بخش عنوان شده است.

1-5-2-1. اقرار

اقرار در لغت به معنای ثابت‌کردن کسی در کاری (دهخدا)، برپا داشتن (معین) و امری را پذیرفتن (عمید) آمده است. آدمی بنا به ذائقه خودپرستی و خودخواهی میل دارد آنچه به سود خود می‌داند، جلب کند و هرچه را به زیان خود می‌داند، دفع کند؛ بنابراین همه افراد در مقابل واقعیت و کشف آن انگیزه دارند. یکی با راستگویی که یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان است و براساس تعالیم دینی و اخلاقی او را به سوی بیان واقع سوق می‌دهد، و دیگری خودپرستی که او را به پنهان‌داشتن واقعیت وا می‌دارد. در چنین وضعی، آرامش وجدان آدمی به هم می‌خورد. به همین جهت بسیار دیده شده است که اشخاص پس از گذشت روزها و ماه‌ها و حتی سال‌ها مقاومت، سرانجام در برابر غریزه راستگویی تسلیم شده و با اقرار به جنایتی که مرتکب شده‌اند، خود را از شکنجه درونی رهانیده‌اند. بزهکاران بسیاری بدون هیچ عامل خارجی با وجود علم به مجازات اعدام یا حبس طولانی، پس از مدتی درصدد اقرار برآمده‌اند. اقرار دلیل محکمی است و جز در موارد استثنایی نمودار واقع امر است. به علاوه هیچ‌کس بهتر از خود شخص به نهان افعال او آگاه نیست (شامبیاتی، 1397: 60).

2-2-5-1. اسناد

در دعاوی مدنی، سند کاربرد فراوان دارد. در پرونده‌های حقوقی، غالباً اثبات حق یا دفاع در مقابل ادعا، با ابراز سند تحقق می‌یابد. سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع، قابلیت استناد داشته باشد. از این تعریف دو ویژگی برای سند محرز است: یکی نوشته‌بودن سند و دیگری قابلیت استناد. سند نوشته انواع بسیار دارد. خط و علامت‌هایی که چند نفر در روابط خود معمول کرده‌اند و بر صفحه‌ای قرار داده‌اند، نوشته است. خطوط رمزی که متضمن معنی و مفهومی باشد، عنوان نوشته و سند دارد. اوراقی که متعاملین هنگام وقوع معامله تنظیم و امضا می‌کنند، با هر سبک و عبارتی و بر روی هر وسیله‌ای اعم از کاغذ، پارچه، چوب، سنگ، آجر، فلز، و غیره، نوشته است و تفاوت نمی‌کند. خطوط سند با ماشین تحریر باشد یا بر صفحه فلزی حک شود یا با دست روی کاغذ نوشته شده باشد هم تفاوتی ندارد. معمولی‌ترین نوشته آن است که روی کاغذ، با خطوطی قابل خواندن نوشته شود. معمولاً شکل و اندازه سند مطرح نیست. نوشته وقتی سند است که قابل استناد باشد. استفاده از سند سابقه طولانی دارد. پیش از اسلام از سند استفاده می‌شده است؛ با حاکمیت اسلام هم استفاده دارد و در قرآن هم آمده است که وقتی قرض داده می‌شود، نوشته‌ای تنظیم شود (طباطبایی، 1404: 205).

3-2-5-1. شهادت

تعاریف گوناگونی برای شهادت داده شده است از جمله انتقال امری از ناحیه فردی که آن را دیده و شنیده به فرد دیگری که آن را ندیده و نشنیده است. این تعریف بسیار کلی است و اختصاص به شهادت نزد قاضی ندارد. این تعریف در واقع مترادف با اعلام خبر صدق است. تعریف دیگر شهادت عبارت است از اینکه شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر کند (ساریخانی و حیدری، 1392: 90).

4-2-5-1. امارات

امارات جمع اماره به معنی علامات است. ماده 1321 قانون مدنی در مقام تعریف می‌گویند: «اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود». با این تعریف، اماره امر معلومی است که به وسیله آن امر مجهولی که مورد ادعاست، ثابت می‌شود. اموری

که به وسیله امارت ثابت می‌شود، معتبر است و امارات کاشف از واقع هستند؛ اگر علم قاضی به علم تام و علم ناقص تقسیم شود، اماره را می‌توان موجد علم ناقص شناخت و این بسیار مهم است. استفاده از اصول عملی، هیچ‌وقت علمی را به وجود نمی‌آورد. در مقام مقایسه امارات با اصول عقلیه، امارات از اعتبار زیادی برخوردارند. اصول عملیه و عقلیه کاشف از واقع نیستند؛ یعنی متکفل اثبات دعوی یا ارتکاب جرم نیست و تا زمانی کاربرد دارد که دلایل و قرائنی وجود نداشته باشد. متهم تا وقتی از اصل براءت برخوردار است که دلیل با قرینه و اماره‌ای علیه او به دست نیاید (نجفی، 1363: 48). اماره بر دو نوع است قانونی و قضایی.

5-2-5-1. قسامه

قسامه عبارت است از ادای سوگند پنجاه نفر در قتل عمدی، و 25 نفر در قتل شبه‌عمد و خطای محض از ساکنان محلی که مجنی علیه یک قتل در آنجا یافت شده است؛ مبنی بر اینکه خود مرتکب، مرتکب جنایت نشده و اطلاعی هم از قاتل ندارند (گلدوزیان، 1382: 90). فقها تعریف دیگری از قسامه ارائه داده‌اند به این مضمون که قسامه عبارت از سوگندهای پنج‌گانه‌ای که اولیا و بستگان مقتول در موارد لوث برای اثبات ادعای خود علیه مظنون به قتل که ارتکاب قتل عمدی را انکار می‌کند، در دادگاه ارائه می‌کنند (ولیدی، 1397: 101).

تعریف دکتر جعفری لنگرودی از قسامه بدین شرح است: «50 قسامه است برای اثبات قتل عمد؛ در قتل شبه‌عمد و خطایی 25 سوگند است که مدعی (یا مدعی علیه در صورت امتناع از قسم و برای رفع تهمت) به تنهایی یا به شرکت 49 نفر از خویشان مرد یا کمتر از 49 نفر ادا خواهد شد» (لنگرودی، 1380: 44). در تعریفی دیگر، قسامه عبارت است از: «جماعتی که برای گرفتن چیزی سوگند بخورند و آن را بگیرند؛ سوگندی که بین اولیای دم اجرا شود هنگامی که کسی را قاتل معرفی کنند و شاهد هم نداشته باشند؛ و نیز به معنی آشتی و متارکه جنگ به کار رفته است» (شامبیاتی، 1397: 55).

6-1. علم قاضی، دلیل مشترک در امور کیفری و حقوقی

براساس قوانین جزایی ایران، قضات در عمل به علم خویش با وجود شرایطی که اشاره شد، مجاز به عمل کردن و صدور حکم هستند و این امر در حقوق برخی کشورها از جمله فرانسه، اروگوئه و ایتالیا به راه‌های دیگری قابل مشاهده است.

در بررسی آثار و مکتوبات فقها درباره اثبات قتل به وسیله علم قاضی مشخص می‌شود امام معصوم (ع) می‌تواند به استناد علم شخصی خود به طور مطلق حکم کند، ولی نسبت به غیرمعصوم اختلاف نظر است؛ بدین شرح که مشهور فقهای شیعه از جمله صاحب جواهر این عقیده را دارند که قاضی غیرمعصوم نیز همانند امام معصوم (ع) در همه دعاوی و جرایم اعم از حق‌الله و حق‌الناس مانند قتل و قصاص می‌تواند به استناد علم خویش قضاوت کند، اما برخی فقها بر این عقیده هستند که قاضی مطلقاً نمی‌تواند مطابق علم خود دعوایی را ثابت کند (اصفهانی، 1377: 52).

در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن‌ها رأی صادر می‌شود.

با توجه به دلایل مطرح شده درباره اجازه اثبات دعاوی از جمله قتل به وسیله علم شخصی قاضی و از آنجاکه قانون‌گذار جمهوری اسلامی طبق اصل چهارم قانون اساسی باید تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزا، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها را براساس موازین اسلامی تهیه کند، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون حدود و قصاص و مقررات آن، با قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1361 و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرایم و مجازات‌ها و رسیدگی به امور کیفری براساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد و به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین ایران پیش‌بینی شد. در حالی که پیش از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است (آشوری، 1387: 43).

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت در بیشتر دستگاه‌های حقوقی، قضات از اختیارات وسیعی برای کشف حقیقت امور مطرح شده برخوردار شده‌اند و این رویکرد ناشی از این اندیشه است که قضات تماشاگرانی منفعل نیستند، بلکه وظیفه کشف حقیقت را دارند.

در ایران نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی باید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره براساس موازین اسلامی باشد و قانون‌گذار بر مبنای همین اصل، علم قاضی را از جمله ادله اثبات عنوان کرده و این اختیار را به قاضی داده است تا در صورتی که به وقوع حادثه‌ای از جمله قتل از روی حس یا از طریق سایر مستندات در پرونده، علم پیدا کند بتواند از علم خود در اثبات جرم بهره گیرد (بهرامی، 1387: 47).

1-6-1. شرایط تمسک قاضی به علم خود

در این زمینه نص صریح ماده 105 قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری می‌کند و لازم است مستند علم خود را بیان کند...». متعاقب آن ماده 120 قانون مجازات اسلامی درباره قضاات اذعان می‌دارد: «حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از راه‌های متعارف حاصل می‌شود، حکم کند»

بدین ترتیب مستفاد شرایط استناد قاضی به علم خود و طرق حصول علم برای قاضی، به صراحت در مواد گفته شده آمده است.

1-6-1-1. لزوم متعارف بودن طریق تحصیل علم

برای دلالت دلیل در امور کیفری سه شرط لازم است (یوسفیان، 1381: 45): قانونی بودن خود دلیل؛ قانونی بودن مرجع تحصیل دلیل؛ قانونی بودن روش تحصیل دلیل.

در توضیح بند آخر به عنوان قاعده کلی دلالت دلیل و دلالت آن در حصول علم قاضی اذعان می‌دارد، علمی می‌تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد که از طرق متعارف و معمولی و در ارزیابی نوعی به دست آمده باشد. ضرورت محصول این شرایط از آنجا قابل توجیه است که رأی صادره باید بتواند در مراجع بالاتر مورد ارزیابی دوباره توسط قضاات مراحل بالاتر دادرسی قرار گیرد. پس اگر حصول علم قاضی به نحو متعارف نباشد، حکم صادره در محاکم عالی نقض می‌شود. آرای بی‌شماری از شعبات دیوان عالی کشور وجود دارد که چون طریق حصول علم متعارف نبوده است، رأی در دیوان عالی کشور نقض شده است. طرق متعارف در قانون بیان نشده‌اند ولی برای مثال می‌توان به معاینه محل، بازسازی صحنه جرم توسط قاضی، امارات و نظریه‌های کارشناسی اشاره کرد. به عبارت بهتر، راه‌های حصول علم برای قاضی یا شخصی هستند یعنی از طریق مشاهده‌های حسی و حضور سریع در محل وقوع جرم پیدا می‌شود یا با مداخله عوامل دیگر به دست می‌آید؛ برای مثال کارشناسی که با ارائه نظریه تخصصی و کارشناسی خویش می‌تواند کمک بسزایی در حصول علم به قاضی کند. شورای عالی قضایی نیز طبق نظریه مورخ 1362/03/20 و شعبه 16 دیوان و نیز در دادنامه شماره 749 - 1369/08/29 بر لزوم متعارف بودن طریق حصول علم برای قاضی تأکید کرده‌اند (بازگیر، 1378: 34).

مطلب مهم دیگر درباره متعارف بودن طریق تحصیل علم برای قاضی رسیدگی کننده در صدور حکم این است که به رغم استدلال برخی قضات محترم، نظریه گواهی پزشکی قانونی نه می‌تواند موجب حصول علم به لواط ایقایی باشد و نه می‌تواند اثبات کند آلت تناسلی داخل شده است، زیرا ممکن است آثاری که در مخاط مقعد باقی مانده است در اثر انگشت یا شی دیگری باشد. در تأیید این ادعا می‌توان به حکم شماره 74/2-6-98 شعبه محترم 27 دیوان عالی کشور اشاره کرد. از سوی دیگر ضرورت متعارف بودن طریق تحصیل علم برای قاضی در راستای اجرای قاعده عام‌تری است که در اصل 167 قانون اساسی، ماده 214 قانون آیین دادرسی کیفری و ماده 4 قانون احیای دادرسی آمده است و همگی بیانگر این معنا هستند که آرای قضات محاکم باید مستدل و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشای رأی بدون استناد، موجب محکومیت انتظامی خواهد بود. در این زمینه و لزوم مستند بودن حکم صادره می‌توان به نظریه مشورتی شماره 1374/03/20-7/7239 استناد کرد.

نکته قابل توجه دیگر اینکه قانون‌گذار با درک حساسیت و اهمیت مستند بودن حکم قضات و راه‌های متعارف تحصیل علم در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، در مبحث سوم با عنوان «راه‌های اثبات حد» به موجب ماده 213 بند اول، بیان می‌دارد: «راه‌های اثبات جرایم موجب حد، بینه، اقرار با قرائن و شواهدی است که موجب علم بین و حتی برای قاضی باشد». در تبصره 4 نیز بیان می‌دارد: «چنانچه مستند حکم، علم حسی قاضی باشد، موظف است در حکم خود قرائن و شواهد موجب حصول علم را تصریح کند». البته تفاوتی که بین تبصره 4 ماده 1-213 لایحه جدید با ماده 105 قانون مجازات اسلامی وجود دارد، این است که در ماده 105 و 102 مستند علم باید ذکر شود، ولی در تبصره 4 ماده 1-213 لایحه جدید، دایره شمولی علم قاضی محدود شده و با جمله شرطیه «چنانچه مستند علم، علم حسی قاضی باشد»، قاضی موظف به تصریح آن در حکم خود شده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار با تعبیر دایره شمولی علم قاضی و انحصار آن به علم حسی قاضی، به ضرر متهمان گام برداشته و حکم را در ارزیابی در مراحل بالاتر با مشکل مواجه می‌کند، چراکه با لحاظ مفهوم مخالف تبصره 4، اگر مستند حکم، علم حسی قاضی نباشد، قاضی رسیدگی کننده ضرورتی بر تصریح ندارد (خرسندیان، 1397: 24).

2-1-6-1. ضرورت ذکر منشأ پیدایش علم برای قاضی

این قاعده بدان معناست که قاضی مستند علم خود را بیان کند (م 105 قانون مجازات اسلامی). این قرائن علم آور می‌تواند نظریه کارشناس، تسامح و استفاضه مفید، علم اخبار عادل واحد، اقرار به کمتر از حد مقرر، اقرار نزد قاضی تحقیق و غیره باشد. بیان و ذکر مستند علم قاضی اثر بسیار ارزنده دیگری هم دارد. از این نظر که برای قضات مراحل بالاتر، امکان بررسی صحت و صلاحیت رأی صادره در مرحله قبل را فراهم می‌آورد. چون امکان حضور قاضی در مراحل بالاتر رسیدگی نیست، از لحاظ رویه عملی قاضی نمی‌تواند با اکتفا به عباراتی مانند «دفاعیات بلاوجه مهم» یا «استماع اظهارات طرفین» خود را فارغ از بیان نوع ادله استنادی طرفین کند (حیدری، 1391: 55).

البته برخی نیز معتقدند مستند علم قاضی چنانچه قبل از مسند قضاوت پیدا شده باشد، حجت ندارد؛ ولی اگر بعد از انتصاب قاضی به قضاوت بوده باشد، دلیلیت دارد. اولین دلیل قائلین به جواز استناد قاضی به علم خود چه در حق‌الله و چه در حق‌الناس، روایتی است که در این باره وارد شده است و به قاضی امکان استناد به علم خود را در جایی که راساً شاهد و قفهای بوده است، می‌دهد. مضمون روایت این است: بر امام واجب است چنانچه ببیند مردی زنا می‌کند یا شراب می‌نوشد بر وی حد را جاری کند و با وجود مشاهده وی، دلیل دیگری برای اثبات جرم لازم نیست، زیرا امام، امین خداوند بر خلق است و وقتی ببیند کسی سرقت می‌کند باید او را باز دارد و نهی کند.

در این رابطه به بحث حجیت اشاره کنیم. برخی اگر تنها مستند علم قاضی مشاهده بصری بوده باشد، علم را حجیت می‌دانند، زیرا در این روایت و سایر روایاتی که دلیل بر حجیت علم قاضی تلقی شده است، کلمه «نظر» آمده است. در زبان عرب، نظر به رؤیت دقیق با ضبط جزئیات گفته می‌شود که علم آور است؛ بنابراین چنانچه مستند علم، درک حسی به غیر از گونه مشاهده بصری بوده باشد یا از طریق رؤیت سطحی حاصل شده باشد، در مقام تعارض با بینه، تاب مقاومت ندارد و مقدم نیست؛ پس چنانچه قاضی راساً شاهد حضور متهم در زمان اتهام در محل دیگری باشد، برای وی یقین حاصل می‌شود که او نقشی در ارتکاب جرم نداشته است. در چنین موردی باید به علم خود عمل کند و به مدد این شهادت شهود دایر بر ارتکاب جرم واقعی است (دیانی، 1385: 44). البته امام خمینی در دنباله مسئله، این اختیار را به قاضی داده است که چنانچه قاضی با عینیت نصب نشده باشد، از قضاوت استنکاف کند و پرونده را به قاضی دیگری ارجاع دهد (خمینی، 1370: 154).

3-1-6-1. لزوم به معرض تعارض طرفین قراردادن مستند علم

یکی از ویژگی‌های سیستم دادرسی اسلامی، رعایت اصول تعارضی، تدافعی و ترافعی بودن آن است که ملاک مشروعیت احکام محاکم است. این اصول هم در دادرسی‌های مدنی و هم در دادرسی‌های کیفری واجد اهمیت فراوان است. در دادرسی مدنی اصولاً با عنوان اصل تناظر اصحاب دعوی از آن یاد می‌شود و ضمانت‌اجرای آن هم در بند 3 ماده 370 آیین دادرسی مدنی آمده است. اصول 36 و 166 و 167 و 169 قانون اساسی هم به همین موضوع اشاره دارد. قاضی باید اصل تعارضی بودن دادرسی را نه تنها در روابط خود با اصحاب دعوا رعایت کند، بلکه مراقب آن در روابط بین طرفین نیز باشد؛ بنابراین قاضی حتی به فرض حصول علم برای خود، با نظریه اداره تشخیص هویت، گواهی پزشکی قانونی، بازسازی صحنه جرم، و تحقیقات کارآگاهان پلیس کشف جرم نمی‌تواند بلافاصله پس از وصول نظریه کارشناس و پیش از شنیدن هرگونه اظهارنظر اصحاب دعوا یا بلافاصله پس از وصول مدرک قاطع از یکی از طرفین دعوا، برای خود رأی صادر کند؛ هرچند نظر کارشناس با آن مدرک قاطع برای وی علم ایجاد کرده باشد. چون آنچه در این بحث واجد اهمیت است لزوم به معرض تعارض قراردادن مستند علم برای اصحاب دعوی است تا در صورت عدم اثبات خلاف آن، به‌عنوان مستند حکم قرار گیرد (شامبیاتی، 1397: 44).

4-1-6-1. صدور حکم به واسطه علم قاضی

قانون مجازات اسلامی در مواد 105 و 120، حجیت علم قاضی را با رعایت شرایط آن مطلقاً در حق الناس و حق الله پذیرفته است و باید به این اطلاق و عموم پایبند بود. هرچند در فقه شیعه و اهل تسنن نظریه‌های متفاوتی ارائه شده دارد؛ اما با وجود نص صریح قانون، امکان استناد به این نظریه‌ها نیست. اصل 167 قانون اساسی هم تنها در صورت نقد مقررات مدون اجازه رجوع به منابع معتبر را داده است. برخلاف استدلال پاره‌ای از فقها و حقوق‌دانان، قضاوت براساس علم از اختصاصات ائمه معصومین، قضات جامع شرایط و ولی فقیه نیست؛ هرچند در استناد این‌ها به علم قاضی و اجرای حدود الهی هیچ شک و تردیدی نیست اما با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و نظر به اینکه در عصر غیبت به سر می‌بریم و تعداد قضات جامع‌الشرایط به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد، قائل بودن به این نظریه یعنی تعطیلی حدود و اجرای احکام و مقررات؛ درحالی‌که هدف از تشکیل حکومت، اجرای حدود الهی است که در روایات وارده دارد. اجرای یک حد از حدود الهی به‌مثابه باریدن

چهل شبانه‌روز باران بر طبیعت دانسته شده است. از لحاظ شرعی نیز داریم: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: 174)؛ یا: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» (مانده: 32).

برخلاف استدلال بیشتر فقها و حقوق‌دانان، استناد قاضی به علم خود در صورت حصول آن واجب است نه جایز، زیرا در غیر این صورت قاضی در معرض فسق و فجور قرار خواهد گرفت و به قاعده عقلی امر به معروف و نهی از منکر عمل نکرده است. منظور از علم قاضی در بحث حجیت علم قاضی، علم متعارف و نوعی است؛ بنابراین نظر آن دسته از حقوق‌دانانی که بین علم حسی حتی قائل به تفکیک نشده‌اند و به اصطلاح ترک استفعال کرده‌اند، قابل قبول نیست.

مسئله بسیار مهم دیگر اینکه علم قاضی در حق الله و حق الناس و هم در جرایمی که قانون‌گذار درباره علم قاضی سکوت اختیار کرده است و هم در جرایمی که به تعیین ادله اثباتی پرداخته شده است، قابل استناد و عمل است.

2. استناد به نتایج روش‌های نوین بازجویی در دادرسی‌های قضایی

در این بخش با بیان مثال‌های حقوقی، جنبه‌های اعتبار یک اماره مورد بحث قرار گرفته است. روش‌های نوین بازجویی مبنای علمی دارد و در مرور زمان، اعتماد بدان‌ها دستخوش تغییر می‌شود، اما عدالت باید با دقت و حساسیت فراوان پیگیری شود و استنادهای مورد اعتماد در این مورد صورت پذیرد.

2-1. بازجویی در چهارچوب قانون

چنان‌که بیان شد، مسئولیت بازجویی بر عهده ضابطان متخصص دادگستری است، اما این نکته را باید مدنظر قرار داد که هدف از بازجویی، کشف حقیقت است و اگر این حقیقت به واسطه زور و اجبار به دست آید، هیچ اعتباری ندارد. در اقرار داوطلبانه اگر کسی بدون اجبار اقرار به امری کند، مدعی نمی‌تواند آن را تجزیه کرده و قسمتی را که به نفع اوست، قبول و قسمتی را که به ضرر اوست، رد کند؛ ولی اقرار در امور کیفری ایجاد شک و تردید می‌کند و به نفع متهم تفسیر می‌شود و در واقع بیانگر قاعده فقهی «الحدود تدرأ بالشبهات» است (سبحانی تبریزی، 1414: 43). به موجب اصل 38 قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار ممنوع است. این اصل به صورت منطقی و جهان‌شمول در تمامی نظام‌های حقوقی جهان مشاهده شده است. طبیعی است در حالت اجبار ممکن است شخص به اقرار به دروغ روی آورد تا از خود محافظت کند. از نظر منطقی چنین اقراری

قابل قبول نیست. در تفسیر قانون اساسی توسط شورای محترم نگهبان آمده است که علاوه بر مسائل شکنجه، هرگونه اجبار و فشار غیرمنطقی با هدف گرفتن اقرار، مستوجب لغو اعتبار آن است (بزرگمهر، 1389: 44)؛ از این رو این اختیار مطرح است که تنها براساس روش‌های نوین بازجویی که مبتنی بر غیراجباری بودن است، بتوان از متهم اقرار گرفت.

قانون منع شکنجه مصوب 1381 در این باره مفصل سخن گفته است و ضمانت‌هایی را برای عدم اخذ اقرار به وسیله شکنجه تعیین کرده است. به موجب مفاد این قانون، هرگونه تنبیه و آسیب بدنی و اشخاص ممنوع بوده و اقرار حاصل از آن کاملاً بی اعتبار است. از سوی دیگر ماده 578 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 ضمانت‌های دیگری را برای جلوگیری از اقرار اجباری وضع کرده است که به موجب آن، در صورت شکنجه متهم با هدف اقرار، ضابطان دادگستری به حبس و جزای نقدی و حتی دیه محکوم می‌شوند. با توجه به ضمانت‌هایی که در قوانین موجود است، مسئولان تحقیق قضایی تنها این اختیار را دارند که در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام فرد، با هدف تأمین متهم را بازداشت موقت کنند و تا زمان حصول براهت از وی، مانع فرارش شوند.

به موجب مواد 22، 32 و 33 آیین دادرسی کیفری، قاضی تحقیق حق دارد در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام، بازداشت موقت را تا زمان رسیدن به نتیجه تمدید کند. روش‌های نوین بازجویی که به گونه‌ای قرائن و امارات اتهام است تا زمان تعیین تکلیف موضوع، اختیار بازداشت را به قاضی تحقیق می‌دهد و این ضمانتی است برای مسئولان تحقیق قضایی که با استفاده از روش‌های نوین، به کشف حقیقت مبادرت ورزند. تنها باید مسئله اجبار و فشار غیرمنطقی برای گرفتن اقرار را خط قرمز فعالیت خود قرار دهند تا بتوان به نتایج اعتماد کرد.

2-1-1. جایگاه اقرار

چنان‌که در بخش دوم بیان شد، ادله اثبات دعوا شامل اقرار، اسناد، امارات، قسم، علم قاضی و چند مورد جزئی دیگر است. با توجه به رویه عرفی موجود در دادگاه‌ها می‌توان اقرار را بالاترین سند در اثبات جرم دانست. البته اقرار باید بر منطبق استوار باشد ولی اقرار دروغ نیز باید شناسایی شود. اگر اقرار آشکارا به زیان فرد اقرارکننده باشد و دیگر قرائن و امارات دلیل منطقی بر رد آن ارائه نکنند، اقرار پذیرفتنی است و بر سایر ادله ارجحیت دارد. در صورت نبود اقرار صریح، دیگر ادله می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

اهمیت اقرار در امور کیفری و مدنی به اندازه‌ای است که آن را ملکه دلایل دانسته‌اند. ولی اقرار و دلایل دیگر باید به صورتی باشد که اقناع وجدان قاضی را ایجاد کند. ضرورت اقناع وجدانی خود اثری از آثار اصل برائت است. اقناع وجدان قاضی در نتیجه کسب اقرار و دیگر ادله نباید از حدود قانون و مقررات تخطی کند، زیرا اصولاً اقراری که از راه شکنجه و عنف به دست می‌آید، فاقد ارزش و اعتبار بوده و دارای ارزش قضایی نیست و اصل 38 قانون اساسی نیز نشانگر همین مطلب است. به نظر می‌رسد روش‌های فنی کسب اقرار می‌تواند مؤثر واقع شوند، مانند دستگاه دروغ‌سنج که در بعضی کشورها به‌ویژه فرانسه استفاده می‌شود. در این روش، نقش دستگاه دروغ‌سنج ده درصد و کارشناس فنی که با دستگاه دروغ‌سنج کار می‌کند نود درصد است که با افزایش مهارت شخص کارکننده با دستگاه، می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت.

علم قاضی و اقناع وجدان قاضی نقش بسیار مهمی در کسب اقرار و دیگر ادله و در نهایت صدور حکم دارد. قاضی خوب و دارای مهارت دادرسی بیش از هر چیز باید روان‌شناسی مجرب باشد. به نظر می‌رسد قوه قضاییه باید در این زمینه تمهیداتی بیاندیشد که قضات دوره‌های آموزشی روان‌شناسی را بگذرانند تا بتوانند در مواجهه با متهمان و کسب اقرار از آنان به صورت علمی‌تر برخوردار کرده و دیگر شاهد صدور احکام متکی بر کشفیات ذهنی و حدسی نباشیم.

در بررسی روی حقوق کامن‌لا، علم قاضی بالاترین درجه اعتبار را بین ادله اثبات دارد. این مورد در مثال‌های حقوقی متعدد مشاهده شده است، اما همان‌طور که بیان شد، در رویه حقوقی کشور ما، اقرار در صورتی که منطبق بر منطق باشد، می‌تواند بالاترین دلیل اثبات جرم باشد. در مواردی حتی خود اقرارکننده به دروغ‌بودن آن واقف نیست؛ از این رو باید بر پایه منطق حاکم بر یک ماجرا، حقیقت‌های پوشیده را کشف کرد. روش‌های نوین کشف حقیقت با همین هدف در اختیار پلیس آگاهی قرار دارد. در اینجا نکات حقوقی گرفتن اقرار بیان شده است.

2-1-2. دیگر روش‌های علمی گرفتن اقرار

محدودیت گرفتن اقرار، اجباری‌نبودن آن است؛ از این رو هر روش دیگری که بتواند بر پایه چنین اصلی به اقرار بیانجامد، اعتبار حقوقی دارد. در ادامه به چند روش جدید علمی که در مراجع حقوقی معتبر آمده است، اشاره می‌شود.

1-2-2-1. تحصیل اقرار از طریق تست تصویری یا پروژکتور

از جمله روش‌های تشخیص دروغ از راست عبارتند از: تست معروف «روش‌خ» با وادارکردن شخص به مشاهده یک سری ده‌گانه از لکه‌های جوهر و اعلام درک و استنباط خود از آن‌ها؛ در تست معروف «T.T.A» با نشان‌دادن یک‌سری عکس به بازجویی‌شونده و درخواست بیان تصورات خود از این عکس‌ها از طریق ساختن داستان برای هر عکس؛ در تست «آسزوندی» با نشان‌دادن چند عکس و درخواست بیان نظر خود یا معرفی دو نمونه جالب و غیرجالب از میان آن‌ها؛ و همچنین استفاده از تست میرا برای شناخت انحراف‌های غیرارادی شخص (بریان¹، 2019: 60).

2-1-2-2. تحصیل اقرار با استفاده از روش تداعی معانی

یکی دیگر از روش‌های صحت و سقم اظهارات متهم، طریق تداعی معانی یا تسلسل افکار است که یونگ مبتکر آن بود و با روش‌های دیگر تکمیل شده است. روش کار در این شیوه بدین صورت است که تعدادی از کلمات که با عمل مجرمانه ارتباط دارد، انتخاب و در لیستی با کلمات معمولی مخلوط می‌شود، کلمات انتخابی را برای متهم می‌خوانند و از او می‌خواهند برای هر کلمه مترادف آن را بیان کند و آنگاه جواب داده‌شده را یادداشت می‌کنند. قسمت حساس و قابل توجه این روش آن است که متهم در مقابل بعضی کلماتی که با جرم ارتباط دارد، مکث می‌کند. این آزمایش چند بار تکرار می‌شود تا نتیجه مطلوب به دست آید (بریان، 2019: 60).

2-1-2-3. تحصیل اقرار از طریق دستگاه پلی‌گراف

پلی‌گراف دستگاهی است که به دروغ‌سنج شهرت یافته و کامل‌ترین ماشینی است که تاکنون برای کشف دروغ ساخته شده است. عملکرد این ماشین عبارت است از ثبت یا به زبان بهتر ترسیم فنوم‌های روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان به هنگام دروغ‌گفتن به صورت نمودار. این دستگاه واکنش‌های فشار خون و همچنین تغییرات مقاومت الکتریکی پوست را که در اثر فشار ناشی از دروغ ظاهر می‌شود، ثبت می‌کند (جانسون²، 2019: 80).

در ایالات متحده آمریکا گزارش این روش کاملاً در دادگاه‌ها معتبر است و نمونه‌های زیادی از صدور احکام سنگین به واسطه این گزارش‌ها مشاهده شده است، اما در کشور ما هنوز اعتماد کامل

1. Bryan
2. Johnson

نیست و به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل اثبات موضوع قرار گیرد؛ مگر به کمک چند اماره دیگر که تقویت‌کننده یک فرضیه باشد.

2-1-2-4. **تحصیل اقرار از طریق روش روانی - درمانی (نارکو آنالیز)**

این روش، روش روانی - درمانی با روان‌شناسی است. در تحقیقات جنایی خاص، در اثر تأثیر داروهای شیمیایی معین و ایجاد حالت شبه‌بی‌هوشی می‌توان از شخص مورد آزمایش یا تحقیق حرف‌های صحیح به دست آورد. روش مزبور به استفاده از سرم حقیقت نیز معروف است، زیرا با خوراندن یا تزریق دارو مختلف می‌توان از دروغ‌گویی متهمان جلوگیری کرد (جانسون، 2019: 80). این روش تاکنون در کشور ما مشاهده نشده است و گزارشی از صدور رأی بر مبنای آن نیست؛ از این رو نمی‌توان در این باره اظهارنظر دقیقی کرد. نکته دیگر اینکه بعدها متهم می‌تواند به اجباری بودن اقرار به وسیله این روش استناد کند و موجب بی‌اعتباری اقرار شود، اما نمونه‌های استناد به این روش در صدور حکم، در کامن‌لای انگلستان مشاهده شده است.

2-2. **گزارش‌های بازجویی به‌عنوان ادله اثبات**

همان‌طور که بیان شد، هدف اصلی از بازجویی کشف حقیقت است؛ از این رو اثر اصلی به‌کارگیری روش‌های بازجویی در کشف حقیقت است. مطابق آیین دادرسی مدنی و کیفری، ادله اثبات جرم شامل اقرار، سند، شهادت، قسامه و علم قاضی است. بالاترین ادله در رویه قضایی ایران، اقرار منطقی بر قرائن است و پایین‌ترین دلیل، علم قاضی بدون استناد است که قانون بدان اشاره کرده است؛ از این رو در دو بخش مستقیم و غیرمستقیم به بحث در این باره پرداخته شده است.

2-2-1. **مستقیم**

اثر مستقیم روش‌های بازجویی، علم قاضی به استناد گزارش‌های مرتبط بدان است. پیش‌تر در مورد علم قاضی صحبت شد. قانون استناد قاضی به علم خود را که مبتنی بر قرائن باشد، به رسمیت شناخته است. این استناد باید مبتنی بر امارات بوده و اگر دلیل قاضی برای استفاده از علم خود منطقی به نظر نیاید، می‌تواند موجبات لغو حکم صادره توسط مراجع مافوق را فراهم دارد. در نظام حقوقی امریکا که مبتنی بر کامن‌لاست، چنین گزارش‌هایی بالاترین درجه اعتبار را در صدور احکام دارد که

مورد انتقاد برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز قرار گرفته است. امریکا را می‌توان پیشگام استناد به چنین گزارش‌هایی دانست که بحث در مورد آن خارج از پژوهش کنونی است.

در نظام حقوقی ما استناد به چنین مواردی در پایین‌ترین درجه اعتبار قرار دارد. چنان‌که بیان شد، اقرار باید در جلسه محاکمه و در حضور قاضی صادرکننده رأی بیان شود. در این صورت می‌توان به استناد اقرار، رأی صادر کرد، اما اگر متهم با وجود اقرارهای پیشین، در جلسه دادگاه منکر واقعیت شد، دیگر نمی‌توان آن را اقرار نامید، ولی اقرارهای پیشین به‌عنوان امارت و نشانه مورد استناد قاضی قرار می‌گیرد. در اینجا گزارش‌های بازجویی که اقرارهای پیشین ظهر آن است، به قاضی کمک می‌کند تا در مورد مسئله‌ای حکم صادر کند. از این مطلب چنین بیان می‌شود که اقرار با وجود مراحل پیچیده قانونی، تنها با وجود استماع در جلسه محاکمه، اعتبار کامل دارد. در مورد امارات نیز پیش‌تر مطالبی بیان شد. هر وسیله‌ای که بتواند به موضوعی علم دهد، امارت نامیده می‌شود. قاضی به استناد امارت می‌تواند حکم صادر کند. اینکه حکم قاضی براساس علم خود تا چه حد منطقی است، بستگی به حقوق عرفی دارد.

در اینجا به دو مثال حقوقی اشاره می‌کنیم. در یک مثال، آقای الف با آقای دال معامله فروش ملک را انجام داد، اما به سبب خیار تغلیس، معامله فسخ گردید. معامله شفاهاً فسخ شد و بر روی کاغذ، فسخ آن گزارش نشد. پس از مدتی آقای الف مجدد ملک خود را به شخص دیگری می‌فروشد. آقای دال به سوءاستفاده پرداخته و مدعی است ملک من به فروش رفته است و در واقع استناد به فروش مال غیر کرد. بازپرس و دادیار پرونده به تحقیق در این باره پرداختند و روش‌های نوین بازجویی نیز مستند شد. نکته قابل توجه اینکه در هنگام صحبت در مورد فسخ معامله، خانمی از مشتریان شرکت آقای دال در آنجا حضور داشت که بعدها برای شهادت فراخوانده شد و بیان داشت من به گوش خودم شنیدم که معامله فسخ شده است. گزارش‌های دادیار و بازپرس نیز چنین بیان داشت که معامله شفاهاً فسخ شده است ولی کتبی گزارش نشده است. چنین است که آقای دال نیز احتمالاً چند بار به قصد اخاذی به آقای الف تلفن زده است که در صورت پرداخت مبلغی مشخص، حاضر به رضایت و آزادی اوست. البته اسناد موثقی در این باره موجود نبوده است. سوابق شرارت آقای دال نیز در پرونده موجود بوده و علم قاضی را تحت تأثیر قرار داده است. در اینجا قاضی با اتکا به علم خود، و استناد به امارات بیان شده، به‌ویژه گزارش‌های دادیار که به بازجویی از هر دو

طرف دعوا پرداخته بود، و همچنین با حضور یک شاهد زن، حکم براءت آقای الف را صادر کرد، اما به محکومیت آقای دال رأی نداد. طبیعی است حضور یک شاهد زن برای چنین اثباتی کافی نبود، اما با توجه به گزارش‌های بازجویی دادیار، نسبت به صدور براءت اقدام شد، چراکه روان‌شناسی این مقام قضایی، صدق گفتار آقای دال را مورد تردید قرار داد. بدین صورت، گزارش بازجویی به صورت تقریباً مستقیم برای صدور رأی مورد استناد قرار گرفت.

در جریان یک مثال دیگر، آقای الف که به آتش‌سوزی منزل فردی متهم بود و دیگر قرائن به‌ویژه تهدید پیشین وی به آتش‌سوزی دلیلی بر اتهام وی ارزیابی می‌شد، ابتدا توسط دادگاه بدوی به پنج سال زندان و پرداخت جریمه محکوم شد. سپس همسر دوم وی که ازدواج آن‌ها کاملاً مخفیانه بوده است و همچنین پیش‌تر نیز خانواده‌اش بیان داشته بودند در روز وقوع حادثه، وی در شهرستان بوده است، به دلیل فامیلی نزدیک (اقارب) شهادت آن‌ها برای دادگاه پذیرفته شده نبود. سرانجام همسر دوم شخص در دادگاه حضور یافت و بیان داشت در روز حادثه، ایشان در شهرستان نزد وی بوده است ولی به دلیل اختفای ماجرا حاضر نشد از وی طلب شهادت کند. پرونده برای اعاده فرستاده شد و سپس حکم به براءت ایشان صادر شد. قاضی استناد را علم خود و دیگر امارات دانست. در اینجا نیز این نکته قابل توجه است که شهادت یک زن به‌ویژه همسر متهم برای اعاده دادرسی و صدور حکم براءت کافی نبود، ولی به‌عنوان امارت لحاظ شد. از سوی دیگر گزارش‌های پلیس آگاهی و بازپرس پرونده، صدق گفتار این مرد را به اثبات می‌رساند؛ از این‌رو به استناد گزارش‌های بازجو و بازپرس و همچنین شهادت این زن، دادرسی اعاده شد.

از این مثال‌ها چنین برداشت شده است که ادله‌ای که قاضی می‌تواند از آن به‌عنوان علم خود استفاده کند، باید منطقی باشد؛ البته اگر دلایل چندان محکم نباشد، زمینه صدور حکم تجدیدنظرخواهی را فراهم می‌آورد؛ از این‌رو هر اندازه که علم قاضی نسبت به استنادها محکم‌تر باشد، اعتبار حقوقی و حکم صادره نیز افزایش می‌یابد. هرچند ادله علم قاضی پایین‌ترین درجه استناد است، مواردی که در استناد علم قاضی به‌عنوان امارت مطرح است، می‌تواند به تقویت نسبی آن بیانجامد؛ از این‌رو هر اندازه روش‌های نوین بازجویی مستندتر به عوامل علمی باشد و در غیاب دیگر ادله اثبات جرم که در مورد آن‌ها بحث شد، می‌توان برای صدور حکم به آن‌ها استناد کرد.

2-2-2. غیر مستقیم

همان‌طور که بیان شد، علم قاضی به استناد گزارش‌های واصله از روش‌های نوین بازجویی، اثر مستقیم است و اگر روش‌های بازجویی، به دیگر ادله همچون شهادت و اقرار که بالاترین نوع دلیل اثبات است، بیانجامد - حتی اگر اقرار در دادگاه توسط متهم انکار شود - باز هم اظهار پیشین وی امارتی قوی برای علم قاضی محسوب می‌شود. اینکه روش‌های بازجویی بتواند به اقرار صریح متهم ختم شود، بسته به مهارت بازجو و استفاده از روش به کاررفته مرتبط است.

2-2-3. ترتیب اهمیت ادله کشف شده

با توجه به آنچه بیان شد و همچنین مثال‌های حقوقی که استنادهای آن در احکام مشاهده شده است، می‌توان در جمع‌بندی ادله اثبات در دادگاه‌ها، ترتیب ذیل را برای اعتبار ادله بیان داشت:

© اقرار واقعی منطبق بر منطق مسئله؛

© شهادت واقعی منطبق بر منطق مسئله؛

© اسناد و گزارش‌هایی که صحت آن‌ها به اثبات رسیده است؛

© علم قاضی به استناد امارات (بسته به قوت امارات، رأی صادره از اعتبار متفاوتی برخوردار است).

قاضی در صدور رأی خود مستقل است و این مورد در آیین دادرسی‌های مدنی و کیفری بیان شده است. دخالت قاضی دیگر در امر صدور پرونده، از نظر قانونی منتفی شده است. این مسئله می‌تواند به ضمانت حقوقی قوی‌تری در علم قاضی بیانجامد. به‌رحال چنین به نظر رسیده است که اعتبار حکم صادره به استناد علم قاضی می‌تواند براساس حقوق عرفی و مثال‌های حقوقی معتبر شود.

در جریان یک پرونده جنایی در تهران، مردی که خود اقرار کرده بود همسرش را به قتل رسانده و وی را در جایی نامعلوم دفن کرده است، ابتدا به پزشکی قانونی معرفی و سلامت عقلی‌اش تأیید شد. در بازجویی به روش‌های نوین و مبتنی بر علم روان‌شناسی چنین برداشت شد که سخنان وی کاملاً متناقض بوده و نمی‌تواند دلیلی بر چنین کاری باشد؛ به‌ویژه آنکه همسرش فوت شده و بنا به تحقیقات محلی، محل دفن مشخص است. دادگاه حکم برائت برای شخص صادر کرد، اما دو روز پس از آزادی، ضمن شکافتن دیوار منزل، جسد سوخته همسرش را به پلیس نشان داد. پرونده اعاده دادرسی شد و این بار با توجه به اقرار صحیح و منطبق بر واقعیت، قرار محکومیت صادر شد. نکته

قابل توجه در این مثال حقوقی آن است که گزارش بازجویی حتی با وجود اقرار صریح که البته بر واقعیت منطبق نبود، در نهایت مورد استناد علم قاضی قرار گرفت و تنها زمانی که اقرار با واقعیت تناسب داشت، دلیل بالاتری قرار گرفته و موجب محکومیت شد.

در مثال حقوقی دیگر، فردی که به جرم قتل عمد در حال محاکمه بود، به درخواست وکیل و همچنین گزارش پزشکی قانونی که بیماری دوقطبی وی را تأیید کرده بود، در لایحه‌ای به ماده 51 قانون مجازات اسلامی استناد کرد که براساس آن جنون در هر مرحله از جنایت، موجب رفع مسئولیت کیفری است. نتیجه تحقیقات (بر پایه روش‌های روان‌شناسی) پس از ارجاع مجدد پرونده توسط قاضی به دایره تحقیقات به موجب ماده 205 آیین دادرسی مدنی، بیماری دوقطبی وی را تأیید کرد؛ از این رو استناد به ماده 51 قانون مجازات اسلامی صورت گرفت و مسئولیت کیفری رفع شد. در جریان پرونده‌ای دیگر که متهم به قتل محکوم شده بود، وکیل به استناد ماده 307 قانون مجازات اسلامی در مورد رفع مسئولیت در زمان مستی و گزارش پزشکی قانونی در مورد مستی متهم، لایحه‌ای ایراد داشت. نتیجه بازجویی نیز مستی فرد را در زمان وقوع جنایت نشان می‌داد که قاضی با رد این موضوع، وی را مسئول قتل و مجرم شناخت.

در بررسی این چند مثال حقوقی، آشکار می‌شود که بالاترین دلیل برای اثبات در دادگاه، اقرار بر پایه قرائن صحیح است. به این مسئله در آیین دادرسی کیفری اشاره شده است و ضمانت استناد بدان در ماده 194 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان شده است: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قرائن و امارات نیز مؤید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌کند و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌کند».

با توجه به این ضمانت، چنین مشخص است که اقرار با وجود دیگر قرائن که صحت آن را اثبات می‌کند، بالاترین درجه استناد در اثبات یک مسئله در دادگاه‌هاست، اما اگر چنین موردی مقدور نبود، ماده 197 همین قانون ضمانت دیگری را پیش کشیده است. به موجب این ماده، دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و ابهام و روشن‌شدن موضوع لازم است، از طرفین و شهود و مطلعین می‌پرسد. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد، دادگاه بدون اینکه وی را مجبور به پاسخ‌دهی کند، رسیدگی

را ادامه می‌دهد؛ از این‌رو قاضی مجاز است که اگر دلیل اول ثابت نشد، به دیگر ادله روی آورد. اولویت استناد به ادله مطابق با حقوق نوشته و همچنین حقوق عرفی را که پیش‌تر مثال‌هایی از آن بیان شد، مطرح کردیم، اما اگر نتایج بازجویی، اقرار متهم را مطابق با واقعیت نداند، این خود می‌تواند دلیلی بر رد این سند باشد. ماده 201 آیین دادرسی مدنی و همچنین مواد 649 و 650 قانون مجازات اسلامی با هدف حفظ شهادت سالم، ضمانت‌هایی را برای شهادت صحیح بر شمرده‌اند که می‌تواند در اثبات یک مسئله در سیستم قضایی به کار گرفته شود. در بند پنج ماده 272 آیین دادرسی ضمانت دیگری برای استناد به روش‌های نوین بازجویی بیان شده است که به موجب آن حتی پس از صدور رأی، می‌توان به تشخیص مسئولان قضایی دادرسی را اعاده کرد؛ از این‌رو اولویت ادله اثبات‌شده به همان صورتی است که پیش‌تر بیان شد.

3-2. آثار روش‌های نوین بازجویی در مرحله تحقیق

به موجب مفاد آیین‌نامه دادرسی مدنی و کیفری، این اختیار به قاضی تحقیق داده شده است که در صورت وجود قرائن مبنی بر اتهام یک فرد و احتمال فرار وی، تأمینات لازم را برقرار کند. حتی مجوزهای ورود به منزل و دیگر موارد مرتبط با تحقیق قضایی، بنا به تشخیص و اختیار قاضی تحقیق صورت می‌گیرد. جزئیات خاص در این باره مشخص نشده است و همین مبنای اختیار حقوقی و ضمانت‌اجرای تأمین را معین می‌سازد. مدت زمان لازم برای حبس افراد مظنون، به‌درستی مشخص نشده است، اما هر اندازه که ظن بدان‌ها بیشتر باشد، اختیارات قاضی تحقیق برای تمدید مدت حبس بیشتر است؛ بنابراین روش‌های نوین بازجویی این اختیارات را به قاضی تحقیق داده است که بتواند برای متهمان قرار تأمین صادر کند. با توجه به کلیاتی که در آیین دادرسی مدنی و کیفری آمده است، این مورد را می‌توان مستند به حقوق عرفی دانست. اینکه نتیجه یک بازجویی تا چه حد می‌تواند ظن به متهم را افزایش دهد، به اختیارات قاضی سپرده شده است و می‌تواند براساس آن تصمیم بگیرد که البته مثال‌های حقوقی در این باره جایگاه ویژه‌ای دارد.

آقای میم از تهران با خانم ت نامزد کرده و پدر و مادر آقای میم رضایت به این وصلت نداشتند. هنگامی که این دو نامزد برای یک مسافرت به بیرون از شهر رفتند، با یکدیگر مجادله داشتند و خانم ت به تهران بازگشت. آقای میم تا مدتی مخفی بود. با شکایت پدر و مادر آقای میم به ظن حضور

خانم ت که با او مسافرت رفته بود، وی به عنوان مظنون به بازداشتگاه منتقل شد. پس از بازگشت آقای میم، به درخواست پدر و مادرش، به طور کامل مخفی شد تا بازداشت خانم ت به درازا بکشد. در جریان تحقیق که با استفاده از روش روان‌شناسی بازجویی صورت گرفت، به تشخیص پلیس آگاهی، این دختر در ناپدیدشدن همسرش نقشی نداشت. قاضی تحقیق با توجه به این استدلال، حکم آزادی وی را با شرط قول شرف به عدم خروج از شهر تهران صادر کرد. پس از چند روز آقای میم به منزل بازگشت. افراد محلی به اطلاع پلیس رساندند که وی پیدا شده است. به دستور قاضی تحقیق، وی بازداشت و از او بازجویی شد. در ابتدا سعی کرد حقیقت را کتمان کند، اما در روان‌شناسی بازجویی سرانجام اقرار کرد به درخواست پدر و مادرش این عمل را انجام داده است. بنا به دستور قاضی تحقیق، پدر و مادر وی بازداشت شدند و خود آقای میم آزاد شد. از این مثال حقوقی چنین برداشت می‌شود که در هر دو مورد اتهام آقای میم و خانم ت، تنها گزارش کارشناس بازجویی در مورد صحت گفتار برای قاضی تحقیق کافی بود. خانم ت که صحت گفتارش مشخص بود، به حکم قاضی و تنها با قول شرف نسبت به عدم خروج از تهران آزاد شد. آقای میم نیز پس از بیان اظهارات آزاد شد ولی پدر و مادر وی به بازداشتگاه منتقل شدند. اختیارات قاضی تحقیق در رابطه با گزارش‌های واصله قابل تأمل است. اقرار مبتنی بر قرائن آقای میم نیز که موجب بازداشت والدیش شد، قابل توجه است.

در جریان مثال حقوقی دیگری، آقای سلیمی که دارای دو فرزند پسر و دختر بود، پس از آنکه دخترش طلاق گرفت و خود مسئول آن ازدواج ناموفق بود، خود را مقصر دانست و اقدام به خودکشی کرد، اما پسر وی با هدف نسبت‌دادن قتل به داماد خانواده، طناب اعدام را پاره کرده و صحنه خودکشی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که قتل صورت گرفته است. جالب اینکه گزارش پزشکی قانونی نیز خفگی را عامل مرگ اعلام کرد و بنا به ادله‌ای که این مرد با داماد خود اختلاف داشته است، سریعاً داماد بازداشت شد. مأمور باهوش آگاهی به قضیه مشکوک شد. وی با پسر خانواده مصاحبه و وی را برای بازجویی دعوت کرد. در روان‌شناسی تحقیق، وی به اصل ماجرا پی برد و در گزارش‌های خود به فرماندهی پلیس آگاهی تهران بزرگ، مورد را گزارش کرد. بر پایه این گزارش به منزل مراجعه شد و از روی نرده چوبی خانه، اثر طناب دار یافت شد. پسر هیچ‌گاه به جرم خود اعتراف نکرد، اما به دستور قاضی پرونده، داماد خانواده آزاد شد و با جمع‌آوری قرائن مبنی بر

اثر انگشت پسر بر روی نرده چوبی که اثر طناب دار بر روی آن بود، پرونده مختومه برای صدور رأی به دادگاه ارجاع شد.

در جریان یک قتل دیگر در تهران، آقای صالحی توسط همسر خود کشته شد. برادر کوچک‌تر که شاگرد مغازه‌اش بود، پس از قتل به منزل وارد شد، اما به جای آنکه به پلیس اطلاع دهد، بر سر گاوصندوق رفته و مقداری پول دزدید. با توجه به سابقه اعتیاد این مرد، مظنون اصلی شناخته و به سرعت به بازداشتگاه منتقل شد. نتایج بازجویی تحقیق، بدون آنکه مرد به هیچ مسئله‌ای اعتراف کند، وی را مظنون اصلی نامید. پس از گذشت یک ماه از بازداشت، متهم به دزدی پول از منزل و عدم اطلاع پلیس اقرار کرد، اما مسئولیت قتل را عهده‌دار نشد. اقرار ناقص در اینجا مورد توجه است، چراکه در محدوده جرم مرتکب شده، محکومیت برای وی صادر می‌شود. قرائن نیز این اظهار ناقص را پذیرفته بودند. کارشناسان آگاهی همواره بر اتهام این فرد تأکید کردند و قاضی تحقیق نیز حکم بازداشت ایشان را تمدید کرد. سرانجام پس از گذشت چهار ماه، به تحقیق افسر دیگر پرونده، همسر وی که برای یک مسافرت خارج از کشور به دبی رفته بود، بلافاصله با پرواز بعدی به ایران بازگشته بود و این مسئله ظن اصلی قرار گرفت و پس از انتقال این زن به بازداشتگاه، به سرعت به مسئله اعتراف کرد.

از این مثال و مثال قبلی چنین برداشت می‌شود که بر مبنای روش‌های نوین بازجویی بر مبنای علمی، قاضی تحقیق می‌تواند قرار اخذ تأمین را مشخص کند و ضمانت‌های آن به صراحت در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری بیان شده است. همچنین جزئیاتی در مورد چگونگی اثبات ادله برای ظن موجود نبوده و بنا به حقوق عرفی و تنها به تشخیص قاضی تحقیق، می‌توان قرار تأمین را برای متهم صادر کرد که روش‌های نوین بازجویی می‌تواند ادله این امر قرار گیرد.

2-4. آثار روش‌های نوین بازجویی در مرحله صدور رأی

مطابق ماده 205 آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و همچنین ماده دیگری در قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که قاضی دادگاه، جریان تحقیقات پرونده را ناقص بداند، می‌تواند آن را به تحقیقات بازگشت دهد. در جریان صدور رأی، اختیارات قاضی مانند قاضی تحقیق در استناد به روش‌های نوین بازجویی، وسیع نیست. در واقع حقوق عرفی و حقوق نوشته هر دو اختیارات قاضی را در این حوزه محدود می‌کنند؛ از این‌رو در این بخش در دو مبحث دعاوی حقوقی

و سپس جرایم کیفری، استناد به این روش‌ها در ادله اثبات بررسی شده است و کوشش می‌شود بیشتر به مثال‌های حقوقی در این حوزه توجه شود.

1-4-2. دعاوی حقوقی

در دعاوی حقوقی، دو اختیار برای قاضی منظور شده است. نخست تعدیل قضایی و دوم تعیین مسئولیت. تعدیل قضایی به معنای حداکثر انعطاف در حیطه اختیارات حقوقی قاضی در صدور حکم است. این مورد بیشتر در شروط غیرمنصفانه کاربرد دارد. مطابق اصل 40 قانون اساسی، هیچ‌کس حق ندارد حق قانونی خویش را وسیلهٔ اضرار به دیگران قرار دهد. تشخیص این مسئله توسط تحقیقات قضایی امکان‌پذیر است و با توجه به آنکه نمی‌توان حقوق افراد را نادیده انگاشت، تنها می‌توان به تعدیل روی آورد. به‌هرحال قاضی برای تعدیل احکام اختیاراتی دارد که نتایج حاصل از بازجویی به روش‌های بیان‌شده - اگر مستند به رفع مسئولیت نباشد - در کمترین توقع می‌تواند تعدیل‌کنندهٔ احکام قرار گیرد، اما در مورد تعیین مسئولیت، می‌توان به روش‌های نوین بازجویی نیز استناد کرد. مثال‌های فقهی در مورد دعاوی دو زن بر سر یک فرزند یا دعوا بر سر پسر و دختر، و کشف حقیقت توسط روش‌های مطروحه، می‌تواند مثال‌های خوبی در زمینهٔ تعیین مسئولیت‌های این حوزه باشد. در ادامه به چند مثال حقوقی در این مورد پرداخته شده و تفسیرهایی برای آن بیان شده است.

در جریان یک دعوی حقوقی در شهرستان اصفهان که به مسائل مالی و صدور چک مربوط بود، به درخواست قاضی پرونده، دادیار دادسرا مسئول تحقیقات تخصصی در این مورد شد. بنا بر گزارش دادیار، آقای صادقی پیش‌تر در چند پرونده، سابقهٔ رباخوری داشته است. در تحقیقات محلی نیز بدون جمع‌آوری سند، به رباخواری این فرد اشاره شده است. طرف دیگر پرونده، آقای سلیمی به خوش‌نامی در بازار معروف است. در بازجویی انجام‌شده، شخصیت این فرد برای افراد محرز است. چک صادره به امضای آقای سلیمی است، اما مبلغ ظاهراً توسط شخص دیگری نگاشته شده است؛ از این رو چنین به نظر می‌رسد که با هدف نزول، پول به آقای سلیمی داده شده و ایشان با حفظ نام قرض، چک سفید امضا به آقای صالحی داده است. قاضی پرونده با استماع این نظریات، رأی باز را برای آقای سلیمی صادر کرد؛ بدین معنا که قرار حبس با سپردن وثیقه معادل 80 درصد مبلغ چک به دادگاه سپرده شده و اجرای رأی بدین صورت است که روزانه آزاد و شبانه باید به زندان بازگردد. در

بررسی این پرونده چنین به نظر می‌رسد که قاضی براساس حقوق نوشته که چک دلیلی بر بدهکاری است و نیز مستندنبودن دیگر اظهارات که دادیار پرونده گزارش کرده است، نمی‌تواند حق قانونی طلبکاری آقای صالحی را نادیده بگیرد، اما از اختیارات قانونی خویش استفاده کرده و با توجه به قرائن غیرمستند حاصل از روش‌های روان‌شناسی بازجویی، حکم باز را برای این متهم صادر کرد تا بتواند راهی برای پرداخت بدهی‌اش باز بگذارد، چراکه می‌تواند روزها به اشتغال پردازد و بدهی خود را پرداخت کند. همچنین وثیقه تعیین شده با کمال ملاحظه به‌عنوان قرار تأمین صادر شد. نکته دیگر اینکه وجود اسناد که در اینجا همان چک است، بر تمام اظهارات ارجحیت دارد و قرار محکومیت براساس آن صادر شده است. سند برتر از علم قاضی قرار دارد. بر این اساس، قاضی تنها براساس علم خود توانسته است حداکثر انعطاف‌ها را در صدور حکم لحاظ کند.

در جریان مثال حقوقی دیگری، خانم نون از آقای عزیزی به خاطر بدهکاری شکایت کرد و گواهان بدهکاری تنها شهود و دستخط وی بود. در واقع به موجب یک دست‌نوشته، مبلغ مشخصی به قرض داده بود و اکنون از پرداخت آن خودداری می‌کرد. آقای عزیزی در حال فروش مغازه‌اش بود؛ از این‌رو خانم نون درخواست برداشت بدهی خود را از محل فروش مغازه صادر کرد. دادگاه ابتدا به توقیف مغازه و ممنوعیت انتقال سند، به اداره ثبت اسناد نامه نگاشت، اما آقای عزیزی اعلام کرد ملک پیش از آغاز دعوا و همچنین پیش از بدهکاری به فروش رفته است. تنها یک قولنامه دستی به دادگاه ارائه شده که تاریخ انعقاد آن پیش از تاریخ قرض دادن پول بود. در جریان بازجویی توسط دادیار، این ادعا صحیح ارزیابی شد. بنا بر گزارش دادیار، پرسش‌ها در مورد تاریخ‌ها به چند روش مختلف پرسیده شده است. در هیچ‌یک از روش‌های سؤال پرسیدن، آقای عزیزی سخنان متناقض بیان نداشته است. در واقع در چند جنبه سؤال‌ها پرسیده و بازجویی در دو روز متوالی انجام شد؛ از این‌رو به نظر می‌رسد ایشان در گفتار خود صادق است. قاضی به استناد این گزارش، آزادی سند توقیف‌شده را اعلام کرد.

از این مثال چنین برداشت می‌شود که در اینجا تعیین مسئولیت و همچنین صدور حکم، مسئله‌ای جز تعدیل قضایی است که بنا به گزارش‌های بازجویی انجام شد. همچنین روش بازجویی که پرسش‌ها در چند جنبه مختلف پرسیده و بیان داشته شد ایشان در گفتار خود صادق است، علم قاضی را تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر سند دست‌نوشته‌ای که تاریخ آن به قبل از بدهکاری باز می‌گشت، اماره‌ای بر صحت

این گفتار تلقی شد. این رأی در دادگاه تجدیدنظرخواهی، فرجام‌خواهی شد و اجرای آن قطعی شد. البته دیگر مثال‌های حقوقی در این حوزه نتیجه برعکس داشت و قاضی حق ممتاز را برای بدهکاری تعیین کرد، اما در این مورد خاص، معامله از پیش انجام‌شده به رسمیت شناخته شد. نتیجه نهایی اینکه در جریان دعاوی حقوقی، استناد به نتایج روش‌های بازجویی به هر طریق ممکن می‌تواند علم قاضی را تحت تأثیر قرار داده و هم در جریان تعیین مسئولیت و هم در جریان تعدیل قضایی مورد استفاده قرار گیرد.

2-4-2. جرایم کیفری

در جرایم کیفری، قاضی به استناد گزارش‌های حاصل از بازجویی، همانند آنچه در دعاوی حقوقی و مثال‌های مرتبط بدان بیان شد، می‌تواند نسبت به تعدیل یا تغییر مسئولیت‌ها حکم صادر کند. مبنای دادرسی نیز مواد آیین‌نامه دادرسی و همچنین دیگر مواد قانونی بوده است که پیش‌تر در مورد آن بحث شد. نکته قابل‌توجه اینکه در جرایم کیفری که مستوجب حد و قصاص هستند، تعدیل قضایی وجود ندارد؛ از این رو این مبحث به دو قسمت تقسیم و در حوزه جرایم مستوجب حد و قصاص و دیگری جرایم کیفری بحث شده است. مثال‌های حقوقی نیز به قصد آشنایی با حقوق عرفی این حوزه بیان شده است. چنین نتیجه شده است که در جرایم کیفری غیر از مواردی که مستوجب حد و قصاص هستند، اختیارات قاضی مانند آن است که در بخش دعاوی حقوقی گفته شد، اما در جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضایی وجود ندارد و قاضی تنها بنا به ادله حاصله می‌تواند نسبت به تبیین مسئولیت کیفری و تعدیل آن اقدام کند. در جرایم سنگین‌تر باید استنادهای منتهی به صدور حکم قوی‌تری قرار گیرد، چراکه مراجع تجدیدنظر در این باره دقت بیشتری دارند و حتی در جرایم سنگین، مرجع تجدیدنظرخواهی دیوان عالی کشور است. استناد به گزارش‌های بازجویی با هدف صدور حکم باید متناسب با جرم انجام‌شده، بیشتر به امارات نزدیک باشد.

چنین نتیجه شد که هم تعدیل‌ها و هم تعیین مسئولیت‌های کیفری، مطابق با اسناد و اماراتی بوده است که در طول تحقیق به دست آمده است. البته کیفیت امارتی که علم قاضی در استناد احکام بدان توجه می‌کند، قابل‌بحث است و باید توان کشف حقیقت را داشته باشد. در صورتی که امارت متأثرکننده علم قاضی چندان معتبر نباشد، احتمال لغو آن در مرجع تجدیدنظرخواه وجود داشته و این احتمال بسته به سنگین‌بودن جرم بیشتر است.

در جریان رسیدگی به جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضایی وجود ندارد و تنها می‌توان مسئولیت را متناسب یا مرتفع کرد. پیش‌تر در مورد مثال حقوقی فرد دوقطبی مطالبی بیان شد. قتل‌هایی که توسط این افراد رخ می‌دهد و معمولاً متهم و وکلای آن‌ها به ماده 51 قانون مجازات اسلامی متوسل می‌شوند در نظر دارند به استناد به جنون، از مسئولیت کیفری رهایی یابند، گزارش‌های پزشکی قانونی هم می‌تواند نظر قاضی را در رابطه با این وضعیت متأثر سازد، اما نکته قابل توجه اینکه در قانون مذکور بیان شده است جنون در هر مرحله از جنایت، مسئولیت کیفری را مرتفع می‌سازد. این در حالی است که گزارش‌های پزشکی قانونی تنها جنون دائمی را به تأیید می‌رساند و جنون لحظه‌ای قابل تشخیص نیست. از سوی دیگر حتی مستی در حین انجام جنایت مستوجب رفع مسئولیت کیفری است (ماده 307 قانون مجازات اسلامی). اینجاست که استناد به روش‌های نوین برای کشف حقیقت کاربرد دارد. گزارش‌های پزشکی قانونی و شمول ماده یادشده در قانون مجازات اسلامی از راه‌کارهای کشف این حقیقت است، اما تعیین جنون لحظه‌ای بنا به نتایج بازجویی که از روش‌های روان‌شناسی برخاسته است، می‌تواند رأی قاضی را تحت تأثیر قرار دهد که نمونه‌هایی از آن پیش‌تر بیان شد

در بررسی موارد دیگر، هم انتساب مسئولیت و هم رفع مسئولیت مشاهده شده است. هیچ‌یک از مثال‌ها نقض رأی در مرجع فرجام‌خواهی را گزارش نکرده است. این مسئله را می‌توان به اختیار قاضی و بنا به امارتی نهاد که بر مبنای آن، علم قاضی حاصل می‌شود و لذا کیفیت بازجویی در این باره اهمیت ویژه دارد. البته بارها توصیه شده است با توجه به مسئولیت سنگینی که براساس این ماده قانونی سلب یا متناسب می‌شود، باید نهایت سخت‌گیری را در بررسی‌ها انجام داد. مرجع فرجام‌خواهی این قبیل احکام دیوان عالی کشور است که نظارت دقیقی بر روند دادرسی دارد؛ از این رو در این مسئله باید تمام قرائن مستند را جمع‌آوری و بر مبنای آن علم قاضی را متأثر کرد. دیگر روش‌ها برای تعیین دقیق جنون لحظه‌ای معمولاً بدون اعتماد است.

در بررسی حقوق عرفی، چنین برداشت شد که ارتفاع مسئولیت کیفری یا انتساب آن در حیطة جرایم مستوجب حد و قصاص، تنها بنا به قوت قراینی است که در ظاهر پرونده موجود است و علم قاضی نیز مستند به آن‌ها می‌تواند رأی صادر کند. با توجه به سنگین‌بودن این جرایم توصیه شده است که نهایت سخت‌گیری و دقت در دادرسی این پرونده‌ها انجام شود. با توجه به آنکه سلب یا

رفع مسئولیت چنین احکامی، موجب جابه‌جایی بسیاری از حقوق، به‌ویژه اولیای دم می‌شود، نیاز است این پرونده‌ها با حساسیت بسیار بالا و تنها با قرائن بسیار محکم، دادرسی شوند.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه تاکنون بیان شد، اگر جریان تحقیقات بر پایه روش‌های نوین بازجویی انجام گرفته باشد و بایسته‌های حقوقی در مورد آن لحاظ شود، می‌تواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد. بالاترین درجه ادله اثبات، ابتدا به اقرار و سپس به شهادت صحیح تعلق دارد؛ البته تکمیل‌بودن پازل ماجرا باید برای مسئولان قضایی محرز شود؛ وگرنه مجموعه امارات باید علم قاضی را متأثر سازد. هر اماره برحسب میزان اعتماد بدان، درجه قوت داشته و علم قاضی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. بسته به نوع پرونده، از درجات متفاوتی از امارات استفاده می‌شود. گزارش‌های بازجویی نیز نوعی اماره است که بسته به نوع روش به‌کاررفته در بازجویی، علم قاضی را مستند می‌کند. چنین نتیجه شد که در دعاوی حقوقی، گزارش‌های حاصل از روش‌های نوین بازجویی می‌تواند اختیار قاضی را برای تعیین مسئولیت یا تعدیل احکام صادره فراهم کند. در جرایم کیفری غیر از حد و قصاص نیز چنین وضعیتی مشهود است. ولی در جرایم حدی، قاضی اختیار تعدیل نداشته و تنها تعیین مسئولیت در این باره به اختیار قاضی سپرده شده است؛ اما در جریان تحقیقات، اختیارات قاضی تحقیق این اجازه را داده است که براساس قرائن به‌دست‌آمده، قرار بازداشت موقت و دیگر موارد تأمین را صادر کند که نتایج حاصل از بازجویی نیز بیانگر همین مورد است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابوطالبی، وحید (1385)، «تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های شناختی سیگنال الکتریکی مغز و کاربرد آن در دروغ‌سنجی»، رساله دکتری رشته حقوق، دانشگاه امیرکبیر.
- اصفهانی، راغب (1377)، المعجم الفاظ قرآن کریم، قم: دارالفکر.
- آشوری، محمد (1387)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت.
- آیین دادرسی کیفری مصوب 1379 با آخرین اصلاحات.
- آیین دادرسی مدنی مصوب 1381 با آخرین اصلاحات.
- بازگیر، یدالله (1378)، علل نقض آرای محاکم کیفری در شعب دیوان عالی کشور، تهران: انتشارات بازگیر.
- باقری اصل، حیدر (1385)، «نظریه تفصیل مبادی علم قاضی»، فلسفه و کلام، سال اول، شماره 9.
- بزرگمهر، امیرعباس (1389)، تأثیر روان‌شناسی در شهادت به‌عنوان اثبات دعوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی، بهرام (1387)، بایسته‌های ادله اثبات، تهران: انتشارات نگاه بینه.
- پیمانی، ضیاءالدین (1356)، دلایل قضایی در حقوق انقلابی فرانسه، تهران: چاپ خرم.
- حیدری، الهام (1391)، «اصل آزادی تحصیل و ارزیابی در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، رساله مقطع دکتری رشته حقوق، دانشگاه تهران، واحد پردیس قم.
- حیدری، الهام (1393)، «اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره 2.
- خرسندیان، علی (1397)، «بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال 22، شماره 4.
- خزائی، صالح (1397)، «جزوه درسی آیین دادرسی مدنی»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی (1370)، تحریرالوسیله، تهران: انتشارات دارالقلم.
- دیانی، عبدالرسول (1385)، ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، تهران: انتشارات تدریس.
- رجب، محمدعلی (1393)، «مبنای قضاء در اسلام براساس ادله اثبات دعوی و جرم شامل قطع قاضی، اقرار، بینه و قسم»، مجله شهر قانون، شماره 10.
- روستایی‌نژاد، علی؛ اوسط خانجانی، علی (1396)، «جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی»، مطالعات علوم سیاسی، شماره 4.
- زارع‌شعار، حسین (1395)، «اقرار کیفری در حقوق ایران»، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره 21.
- ساریخانی، عادل؛ حیدری، مسعود (1392)، «بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره 31.
- سایت رأی مثبت، تاریخ مراجعه 1398/10/22 آدرس <https://rayemosbat.com>
- سایت قوه قضاییه اتحادیه اروپا، تاریخ مراجعه 1398/10/22، آدرس www.cvria.com
- سیحانی تبریزی، جعفر (1414)، المحصول فی علم الاصول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سلیمی، علی (1395)، «ادله اثبات دعوی در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد تهران جنوب.

سهرابی، یعقوب (1388)، «بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی»، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره 14. شاکر، مهتاب (1397)، «شروط غیرعادلانه در قوانین ایران و تعدیل قضایی مرتبط بدان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

شامبیاتی، هوشنگ (1397)، «جزوه درسی آیین دادرسی کیفری»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل. صالحی، محسن (1397)، «بررسی فقهی قواعد عمومی ناظر بر ادله اثبات دعوی در قانون جدید مجازات اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

طباطبایی، علی بن محمد (1404)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل بیت.

علامه حلی، حسن بن یوسف (1414)، تذکره الفقها، قم: مؤسسه آل بیت.

فخرالدین ابی طالب محمد، حلی (1389)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، قم: نشر اسماعیلیان.

فرهنگ لغت دهخدا.

فرهنگ لغت عمید.

فرهنگ لغت معین.

قانون اساسی مصوب 1358 بازنگری شده در سال 1368.

قانون حدود و قصاص مصوب 1361 با آخرین اصلاحات.

قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 با آخرین اصلاحات.

قانون مدنی مصوب 1316 با آخرین اصلاحات.

قانون منع شکنجه مصوب 1381 با آخرین اصلاحات.

لنگرودی، محمدجعفر (1380)، ترمینولوژی حقوق، تهران: قلم.

مدنی، سید جلال الدین (1380)، تفسیر آیین دادرسی کیفری، تهران: میزان.

معرفت، محمدهادی (1364)، «حجیت علمی قاضی در ارتباط با رجوع به کارشناسی»، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، شماره 1.

نجفی، محمدحسن (1363)، جواهر الکلام، بیروت: دارالکتب.

یوسفیان، بهنام (1382)، «طریقت یا موضوعیت ادله در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

Bryan, I. (2019), *Interrogation and confession: A study of progress, process and practice*, Routledge.

Johnson, J. M. (2019), "Making a Difference with Participatory Democracy: an Alternative Vision of Taking", *Qualitative Research to the Public Realm, Qualitative Inquiry*, 1077800419857101.

Kader, A. A., Latif, M. A., & Zhou, Q. (2019), "Exact optical solitons in metamaterials with anti-cubic law of nonlinearity by Lie group method", *Optical and Quantum Electronics*, 51 (1), 30.

Maxwell, N. (2019), "Aim-Oriented Empiricism and the Metaphysics of Science", *Philosophia*, 48 (4).

Montasari, R., Hill, R., Carpenter, V., & Montasari, F. (2019), "Digital Forensic Investigation of Social Media, Acquisition and Analysis of Digital Evidence", *International Journal of Strategic Engineering (IJoSE)*, 2 (1).

Newig, J., Jahn, S., Lang, D. J., Kahle, J., & Bergmann, M. (2019), "Linking modes of research to their scientific and societal outcomes. Evidence from 81 sustainability-oriented research projects", *Environmental Science & Policy*, 101.